



بی‌توجهی بازار نشر به نیازهای معلمان زبان

گفت‌وگفتی با محمدرضا عنانی سراب، سرگروه داوران حوزه زبان‌های خارجی

فاقد معیارهای لازم بودند کنار گذاشتیم و آثاری را که حداقل معیارها را داشتند در مرحله بعد دوباره بررسی کردیم. در آن مرحله هم با نگاه دقیق‌تری آثاری را که واجد شرایط بودند به‌عنوان اثر تقدیری و برگزیده انتخاب کردیم.

◀ **به معیارهای تخصصی هر درس اشاره کردید. این معیارها در گروه زبان چه چیزهایی بودند؟**

یکی از ویژگی‌های مهم زبان خارجی، رویکرد جدیدی است که در برنامه درسی آن معرفی شده و در حال اجراست. از آنجا که رویکرد این درس تغییر کرده، طبیعتاً معیارهای جدیدی را باید در بررسی کتاب‌های رسیده به گروه داوری، به‌کار ببریم. چون رویکرد قدیمی این درس مشخصه‌هایی داشت که با رویکرد جدید متفاوت است. مثلاً در رویکرد قبلی که رویکردی سنتی بود، بر مؤلفه‌های زبانی تأکید زیادی می‌شد. بنابراین در کتاب‌های کمک‌آموزشی هم دنبال آن مؤلفه‌ها بودیم تا رابطه بین آثار کمک‌آموزشی و کتاب‌های درسی هماهنگ باشد. اما اکنون تأکید بر مؤلفه‌های زبانی جای خود را به مؤلفه‌های ارتباط و کاربرد زبان داده است. بنابراین ما هم مشخصه‌های خاص دیگری را دنبال می‌کنیم تا ببینیم رویکرد جدید در کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی منعکس شده است یا خیر. علاوه بر این‌ها، ماهیت زبان، بیشتر کاربردی و مهارتی است. گرچه

اشاره

محمدرضا عنانی سراب، سردبیر فصل‌نامه رشد آموزش زبان‌های خارجی در این دوره از جشنواره، سرگروه داوران حوزه زبان‌های خارجی است. وی با تأکید بر مؤلفه‌های ارتباطی، کاربرد زبان به‌جای مؤلفه‌های زبانی را یکی از مهم‌ترین معیارهای بررسی آثار این گروه دانست که متأثر از رویکرد جدید برنامه درسی زبان است. عنانی سراب بی‌توجهی بازار نشر به نیازهای معلمان و نیز عدم بروز خلاقیت مؤلفان و محدود شدن آن‌ها به کتاب‌های درسی را زنگ خطری دانست که باعث بازگشت به عقب می‌شود.

◀ **آقای دکتر عنانی، در حوزه زبان چه تعداد از آثار به مرحله نهایی داوری رسید و روند داوری چگونه بود؟**

بیش از ۲۰ عنوان کتاب رسیده بود که آن‌ها را در دو مرحله داوری کردیم. در ابتدا گروه داوری درباره معیارها بحث کرد که البته بخشی از آن‌ها از سوی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی تدوین شده است. اما درباره هر درس معیارهای تخصصی هم وجود دارد که باید به آن‌ها هم توجه کرد. از سوی دیگر اعضای گروه داوری پیشینه‌های متفاوتی دارند. ممکن است معلم، کارشناس یا از افراد دانشگاهی باشند. این موضوع ما را ملزم کرد که ابتدا به زبان مشترکی برسیم. پس از آن در مرحله نخست کتاب‌ها را بازبینی کردیم و آن دسته‌ای را که

دانش هم در آن دخیل است ولی دانش در حقیقت زمینه‌های کاربرد و مهارت‌های زبانی را شکل می‌دهد. بنابراین ماهیت آن با درس‌های دانشی متفاوت است. همچنین ارتباط بین معلم و زبان‌آموز با توجه به ماهیت این درس با دیگر درس‌ها متفاوت است. این‌ها هم نکته‌هایی است که باید مورد توجه قرار می‌گرفت.

◀ عمده مخاطب آثار چه قشری بودند؟

اکثر کتاب‌ها برای مخاطب زبان‌آموز بود و یکی دو عنوان هم برای معلمان. مشکل این است که حمایت از معلمان و توجه به نیازهای آن‌ها چندان مورد توجه بازار نشر نیست.

◀ نیازهای معلمان ما با توجه به رویکرد درس زبان بیشتر در چه حوزه‌ای است؟

یکی از نیازهای عمده دبیران ما مواد درسی پشتیبان است. به هر حال کتاب درسی و بسته آموزشی وجود دارد ولی اگر معلم بخواهد از فعالیت‌های پشتیبان کننده استفاده کند یا تنوعی در تدریس ایجاد کند و یا اینکه برخی جنبه‌های توانش زبانی را که مورد توجه قرار گرفته است تقویت کند، نیاز به فعالیت‌ها، متون و کتاب‌های مناسب دارد.

علاوه بر این آشنایی با رویکرد برنامه درسی زبان و روش‌های آموزشی و تدریس متناسب آن و نیز سنجش و ارزشیابی از دیگر موضوعات موردنیاز معلمان است. فکر می‌کنم اگر به موقع به این نیازها توجه نشود مشکل ساز خواهد بود.

◀ برنامه درسی زبان پس از سال‌ها به تازگی تغییر کرده است. آیا کتاب‌ها با این تغییر هم‌سو بودند؟

برنامه درسی ملی برای برنامه هر درس چارچوبی را مشخص کرده که این چارچوب معیار بررسی ماست و نه خود کتاب درسی. نقطه شروع برنامه درسی، توجه به وجود تألیفات متفاوت است که براساس چارچوب برنامه درسی نوشته شده‌اند. این موضوع با زمان قبل از برنامه درسی ملی متفاوت است. تا پیش از برنامه درسی ملی، کتاب درسی معیار بود. یعنی ما باید کتاب‌های کمک‌آموزشی را براساس کتاب درسی محک می‌زدیم ولی در حال حاضر چارچوب برنامه درسی برای ما ملاک و معیار است. در این بین دو روند در کتاب‌ها دیده می‌شود. نخست رویکردی که معتقد است همه کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی باید به کتاب درسی تاسی کنند و کتاب کمک‌آموزشی آینه کتاب درسی است. رویکرد دیگر آن است که اگر برنامه درسی معیار است و ما باید کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی را با آن بسنجیم باید ببینیم چه اهدافی در برنامه درسی گنجانده شده و آیا این آثار به این سمت حرکت می‌کنند یا نه.

تنوع عناوین و فعالیت‌های کتاب‌هایی که بررسی شد نشان می‌داد مؤلفان به این سمت حرکت می‌کنند که با رویکرد جدید و برنامه درسی جدید بتوانند تجربیات جدیدی را ارائه دهند؛ و این نکته مثبتی است. ولی از سوی دیگر دیده می‌شود اکثر

کتاب‌های جدید یکسان هستند و فعالیت‌های کتاب درسی را انعکاس می‌دهند. مثلاً فعالیت‌های مکملی که در راستای برنامه درسی است و می‌تواند کمبودهایی را که در آموزش وجود دارد برطرف کند. چون می‌دانیم که ساعت درسی برای زبان‌آموزی کافی نیست و کتاب درسی فقط می‌تواند شروع یادگیری باشد ولی تثبیت یادگیری و فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر برای یادگیری، به‌عهد مؤلفان کتاب‌های کمک‌درسی است. ولی ما کمتر شاهد این موضوع بودیم. مؤلفان اغلب خود را در چارچوب و قالب کتاب درسی محدود و فقط از همان نوع فعالیت‌ها استفاده کرده‌اند. این موضوع ما را به سمت کلیشه‌های سابق می‌برد و ما نوآوری و خلاقیت را کمتر خواهیم دید.

باید این موضوع را در نظر داشت که سال‌هایی که در حال گذار از

یک برنامه درسی و روی کردن به سمت برنامه دیگری هستیم بسیار اهمیت دارند. به این معنی که اگر ما مؤلفان خلاق را تشویق کنیم که بتوانند فعالیت‌های متنوع خلق کنند، برنامه درسی غنی‌تر خواهد شد و کمک بیشتری به زبان‌آموز و حتی معلم خواهد شد. ولی اگر دنبال یکسان‌سازی منابع کمک‌آموزشی و کمک‌درسی باشیم، بعد از مدتی کتاب‌ها فاقد نوآوری خواهند شد. این خطری است که در گذشته اتفاق افتاده و ممکن است باز هم در آینده با آن روبه‌رو شویم و ببینیم به نقطه سابق برگشته‌ایم. از این رو توصیه می‌کنیم که ناشران از محافظه‌کاری دور شوند و مؤلفان را محدود نکنند و اجازه دهند تجربیات جدید خلق کنند.

◀ جشنواره چگونه می‌تواند برای دور ماندن از یکسان‌شدن منابع و بروز خلاقیت‌ها عمل کند؟

فلسفه و هدف جشنواره همین است که با روشن کردن و تبیین معیارها و محک زدن کتاب‌های کمک‌آموزشی، جهت‌دهی‌هایی را در بازار نشر ایجاد یا تقویت کند که اگر موفق به این امر باشد، می‌توانیم روند را اصلاح کنیم. اگر روند داورها درست باشد و ما دقت لازم را در شفاف‌سازی و کاربرد معیارها داشته باشیم، به‌گونه‌ای که کتاب‌های انتخابی خلاق باشند، جشنواره می‌تواند جهت‌دهی کند. به این ترتیب که این پیام را به مؤلفان و ناشران برساند که حداقل معیارها چیست و اگر ناشری می‌خواهد مورد توجه قرار بگیرد، در سیاست‌گذاری‌های خود این معیارها را مورد توجه قرار دهد.

از سوی دیگر جشنواره باید بتواند خود را به‌عنوان یک رویداد معتبر که همه می‌توانند به آن اعتماد کنند نشان دهد که این موضوع هم به روندها مربوط است. اگر روند جشنواره علمی و درست باشد در درازمدت باعث افزایش اعتبار علمی جشنواره خواهد شد که افزایش اعتماد دیگران را در پی خواهد داشت. در آن صورت است که نتایج جشنواره می‌تواند وزن پیدا کند و تأثیرگذار باشد.

ماهیت زبان، بیشتر کاربردی و مهارتی است. گرچه دانش هم در آن دخیل است ولی دانش در حقیقت زمینه‌های کاربرد و مهارت‌های زبانی را شکل می‌دهد؛ بنابراین ماهیت آن با درس‌های دانشی تفاوت دارد